

در کتابخانه موزه بریتانیا يك نسخه خطی وجود دارد که از کاروانسراهای دوره صفوی در اصفهان گنگو می کند. این نسخه خطی به صورت طوماری به اندازه ۴۷۵×۳۴ سانتیمتر است که تحت شماره ۴۰۹۴ در کتابخانه موزه بریتانیا به ثبت رسیده است. در این نسخه خطی در حدود ۴۰ کاروانسرا نام برده شده که توسط شاه عباس بزرگ و جانشینان و بستگان او ساخته شده است. گرچه اسامی بعضی از این کاروانسراها در سفرنامه سیاحانی چون شاردن و تاورنیه هم آمده است ولی از آن نظر که اطلاعاتی در مورد اجناس عرضه شده در هر يك از کاروانسراها و خرید و فروش کالاها میدهد حائز اهمیت تاریخی است.

این نسخه خطی که بدون شك یکی از جالبترین منابع مستند درباره کاروانسراها شمار می رود بخط شکسته نستعلیق نوشته شده و نام کاتب آن در متن دیده نمی شود ولی احتمالاً در اواخر دوره صفوی کتابت شده است.

مؤلف: یک نسخه خطی موزه بریتانیا

کاروانسراهای میدان نقش جهان و بازار اصفهان

محمد یوسف کیانی

● در دانستن کاروانسرای اصفهان :

کاروانسرای شاه که در چهار سوی قیصریه است در برابر ضرابخانه و آن کاروانسرا را شاه عباس بزرگ ساخته است و در آن کاروانسرا تیمچه کوچک به معنی کاروانسرای کوچک نزدیک به صد حجره بالا و پائین دارد و در آن کاروانسرا سوداگران بسیار می آیند و می باشد مثل سوداگران تبریز و اردبیل و در آنجا بالاخانه ها است که اکثراً زرگر، میناتراش و حکاک که جواهرات می تراشند و مناع تبریر و اردبیل از گلیم و شال و حاجیم در آنجا خرید و فروخت می شود و دیگر سوداگران اصفهان که در آن کاروانسرا حرد دارند از هر جنس مناع که می خواهی در آنجا هست و ملکالتجار در آن کاروانسرا می نشیند و تیمچه میان کاروانسرا اکثر هندوی مالدار می باشند و در آن کاروانسرا دار هر شب با سه چهار آدم کشیک می دادند.

کاروانسرای طویله :

که در پهلوی کاروانسرای شاه است و در آن کاروانسرا بیشتر هندو می باشند و بیشتر هندو که در آن کاروانسرا هستند پارچه فروشد از هر جنس پارچه که از هند می آید ایشان خرید و فروخت می کنند و این کاروانسرا دو در دارد یک در به قیصریه می رود یک در دیگر به بازار چیت فروشان.

کاروانسرای محبت علی بیگلر :

که مشهور است به کاروانسرای لاله میک و در آن کاروانسرا زرگران و جواهر فروشان و مروارید فروشان می باشند و در فصل بهار و وقت گل سرخ و گل زرد در آن کاروانسرا خرید و فروخت می شود و مروارید را در آن کاروانسرا جماعت مروارید فروشان سوراخ می کنند و در زمان شاه عباس بزرگ هر مناع که از هندوستان می آید از مندیلهای پارچه های

کاروان سراسری استونی باقی در نزدیک این سراسر کلمه است در آن کاروان سراسر هند و مایه نالدارند
و نیز کاروان آگانه و شمع میخورد و بر سراسر دیگر میزدند

کاروان سراسری استونی که در بای سراسر کلمه است در این کاروان سراسر چیت کران کاروان سراسر

کاروان سراسری خارجی با سراسر در برابر کاروان سراسری در این کاروان سراسری خارجی
سراسر کاروان سراسر در برابر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

بسم و در سراسر سراسر و در سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

در کاروان سراسری استونی سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

کاروان سراسری استونی سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر سراسر

نمونه‌ای از نسخه خطی کتابخانه موزه بریتانیا

کاروانسرای انارفروشان :

هر متاعی که از اردستان می‌آید مثل انار و رب انار که از شهر اردستان می‌آید در آن کاروانسرا فرود می‌آوردند و آن کاروانسرا، کاروانسرای انارفروشان مشهور است و در آن

خوب در آن کاروانسرا فرود می‌آید و حالا زرگر و جواهر فروش در آن کاروانسرا که نزدیک پنجاه حجره بالا و پایین دارد هستند و حجره‌های بالا هندویان می‌نشینند که اکثراً "بزاز و پارچه‌فروشند."

کاروانسرای آذردهستان نیز صفتی که در دهستان می‌گفته مثل آثار در آن
 که از آن دهستان می‌گفته در آن کاروانسرا فرودگاه و در آن کاروانسرا کاروانسرای آذردهستان
 فرودگاه آذردهستان کاروانسرا نیز از آثار در آن می‌گفته اما در جزئی دیگر فرودگاه در آن
 در آن کاروانسرای آذردهستان

کاروانسرای این عربان که در پهلوی کاروانسرای آذردهستان است بر متاعی از آن
 می‌آید در آن کاروانسرا در آن می‌گفته که از آن می‌گفته می‌گفته می‌گفته
 و کتله و در آن کاروانسرا در آن می‌گفته در آن می‌گفته و کتله و در آن
 و کتله که بر پشت است می‌گفته و کتله و در آن کاروانسرای آذردهستان در آن می‌گفته

نمونه‌ای دیگر از نسخه خطی

خانه انگلیس واقع است و متاعی که در آن کاروانسرا فرود
 می‌آید برنج فزویین و نیلوفر و برنج که از مازندران می‌آورند .
 متاع کرمان و متاع ابرقوه و کاسه و پیاله و نعلبکی کار مشهد
 در آن کاروانسرا خرید و فروخت می‌شود دیگر متاعی که در
 آن کاروانسرا محمودبیک فرود می‌آید متاع ازبکهاست که
 متاع ایشان مشک و کاغذ سمرقند است .

کاروانسرای کله‌پزان :

بالانرا کاروانسرای محمودبیک و نزدیک مسجد جارجی باشی
 است آنرا کاروانسرای کله‌پزان می‌گویند که بیش از این کله‌پزان
 در آن کاروانسرا بودند حالا هر متاعی که از گیلان می‌آید
 در آن کاروانسرا فرود می‌آورند مثل ماهی دست‌پیچ و ماهی

کاروانسرا بغیر از انار و شیره انار چیز دیگری خرید و فروخت
 نمی‌شود و متاع آن کاروانسرا انار رب و رب انار است .

کاروانسرای عربان :

که در پهلوی کاروانسرای انارفروشان است هر متاعی
 که از بغداد می‌آید در آن کاروانسرا فرود می‌آید و هر
 متاعی که از بحرین می‌آید و متاع بغداد کتان و کفش بغدادی
 و عبا و دکدکی که بر پشت اسب می‌اندازند و جانماز و غیره
 در آن کاروانسرا خرید و فروخت می‌شود .

کاروانسرای محمودبیک :

که در برابر کاروانسرای انارفروشان است و در پشت

که غیر از کاروانسرای انارفروشان است و در این کاروانسرا
مقال و کرباس، آستر و چادر زنان خرید و فروش می شود.

کاروانسرائی که در گودال نیماورد ساخته شده است :

در آن کاروانسرا مردم قم و سوداگران قم بار می اندازند
و متاع ایشان صابون قم و کرباس قم می باشد و آن کاروانسرا
را مادر شاه صفی ساخت و مردم که از کاشان و ده کاشان که
از آن بیدگل گویند و سوداگران نطنز و ده میلا کرد از
خشکه بار مثل مویز و کشمش سرخ و آلو و قالی کار محلات
در آن کاروانسرا می باشد.

کاروانسرای مهابادیان :

مهاباد دهیست که از دههای کاشان و در آن ده همه
مردم کرباس می بافند و متاع مردم مهاباد کرباس و آستر
مهابادی و زردآلوی خشک که از مهاباد می آورند و بالاتر از
آن کاروانسرای مردارکشان است.

کاروانسرای مردارکشان :

به این معنی است که هر جا اسب یا شتری می میرد جماعتی
هستند که ایشان را مردارکش گویند مثل اسب و الاغ مرده

سرخ و نارنج و تفصیله که مردم قبا می کنند و متاع کاروانسرای
کلهبران همین است که مذکور شد.

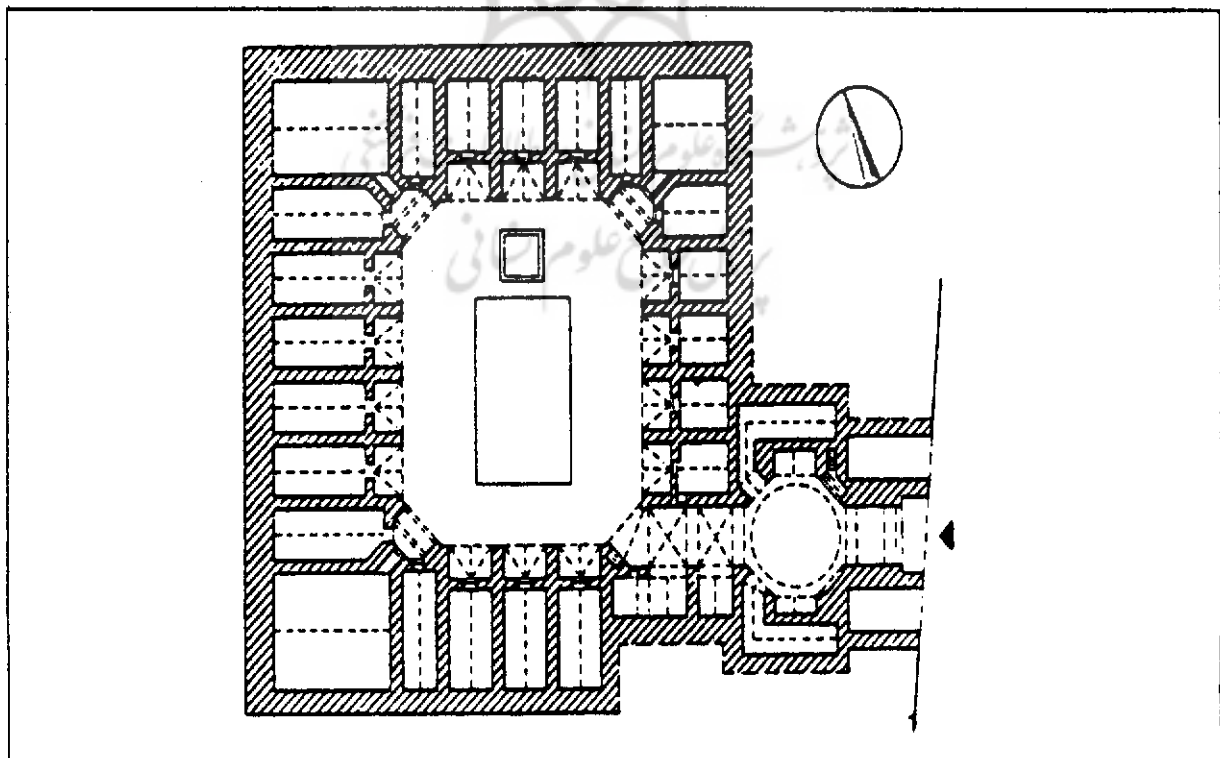
کاروانسرای قزوینیان :

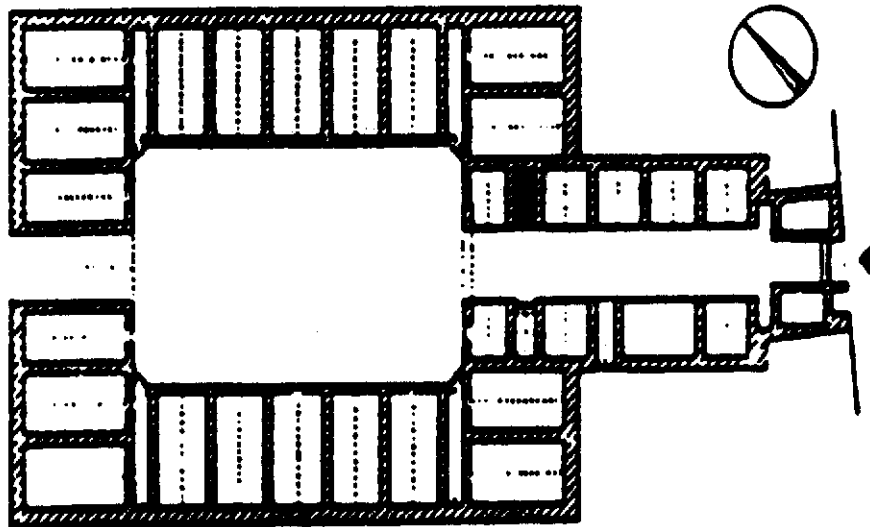
که نزدیک مسجد جارچی باشی است و در آن کاروانسرا
متاع قزوین مثل قصب کار قزوین و زیردانی نقش کار قزوین که
زبان می پوشند در آنجا خرید و فروخت می شود و آن کاروانسرا
مشهور است به کاروانسرای قزوینیان.

کاروانسرای جارچی باشی :

در برابر کاروانسرای قزوینیان است و در کاروانسرای
جارچی باشی سوداگران جهود شیرازی در آنجا متاع خود
را می اندازند و می فروشند و متاع شیراز چوب بغم و زنجبیل
خشک و فلفل و دارچین و هل و قهوه است و سوداگران یهودی
شیرازی که از هر طرف می آیند در کاروانسرای جارچی باشی
ساکن می شوند و متاع خود را می فروشند و به کاروانسرای
دیگر نمی توانند فرود آیند این دستورالعمل را شاه عباس
بزرگ گذاشته است.

کاروانسرای اردستانیها :





کاروانسرای اردستانیهها

بزرگ و قدیمی است پیش از زمان شاه عباس مردی بود زهره‌مار سلطان ارشلو که در آنجا مثل شاه بود و بی حساب بسیار می‌کرد شاه عباس بزرگ او را کشت .

کاروانسرای باواناتیان :

که به کاروانسرای میرزا هدایت مشهور است کاروانسرایست بزرگ که متاع شیراز و باوانات در آن فرود می‌آید متاع شیراز شیشه قلیان و قراه شیرازی و خرما و آب لیمو و عرق بهارنارج و لیمو و رطب یعنی خرماي تازه و متاع باوانات کشمش سبز و مویز سیاه و خرماي سیاه که خرماي شاهانی گویند و روغن و دوشاب و باوانات دهی است از دهات شیراز .

کاروانسرای بازار عربان :

در نزدیک میدان کهنه است و در آن کاروانسرا مردم محلات فرود می‌آیند و متاع محلات خان و خوانچه نقاشی است و قالی کار محلات در آنجا خرید و فروش می‌شود و مردم جوشقان که قالی‌یافتند در آنجا هستند .

کاروانسرای بوریابافان :

که در طرف محله کلبار (؟) است (در آن کاروانسرا بوریاباف می‌باشند در اصفهان بغیر از آن کاروانسرا هیچ کاروانسرائی بوریاباف نیست و هر بوریایی که در مسجدها

را پوست می‌کنند و پوست آنها را می‌فروشند و گوشت و استخوان مردارها را در صحرای دره گبران بار الاغ کرده در هزاره دره می‌اندازند که کلاغان جمع شوند و شاه اگر دماغ داشته باشد به شکار برود و مردارکشان شتر یا اسبی که زخم‌دار باشد و از کار افتاده باشد می‌خرند و می‌کشند و گوشت آنرا درویشان می‌خرند .

کاروانسرای نطنزیان :

مردم نطنز و سوداگران نطنز در آن کاروانسرا فرود می‌آیند و آن کاروانسرا را میرا سمیل قهوه‌چی در زمان شاه عباس بزرگ ساخته است متاع سوداگران آن کاروانسرا مویز خشک و سنجد خشک کرباس و متقال نطنزی است .

کاروانسرای ساغرچیان :

واقع است در بازار گفشدوزان ، ساغرچیان پوست الاغ و پوست اسب را ساغری می‌سازند دیگر پوستی ساغری نمی‌شود الا پوست اسب و الاغ و هر رنگ که می‌خواهند رنگ می‌کنند مثل سرخ و سبز و زرد و نارنجی .

کاروانسرای عباسی :

که در قرب و نزدیک میدان کهنه واقع است و در آن کاروانسرا مردم . . . می‌باشند و کرباس می‌یافتند و کاروانسرای

کرد. در اصفهان به خوبی این کاروانسرا نیست بلکه در همه ایران مانند ندارد و این کاروانسرا واقع است در نزدیک میدان شاه و در حجره‌های آن سوداگران لار و هرمز... و بهبهان و نیریز می‌باشند و متاع مردم آن قهوه و تنباکو، جوز، میخک و زنجبیل و هلیله می‌باشد شاه عباس آن کاروانسرا را به دختر خود بخشید و المال پادشاهی شده است.

کاروانسرای جده:

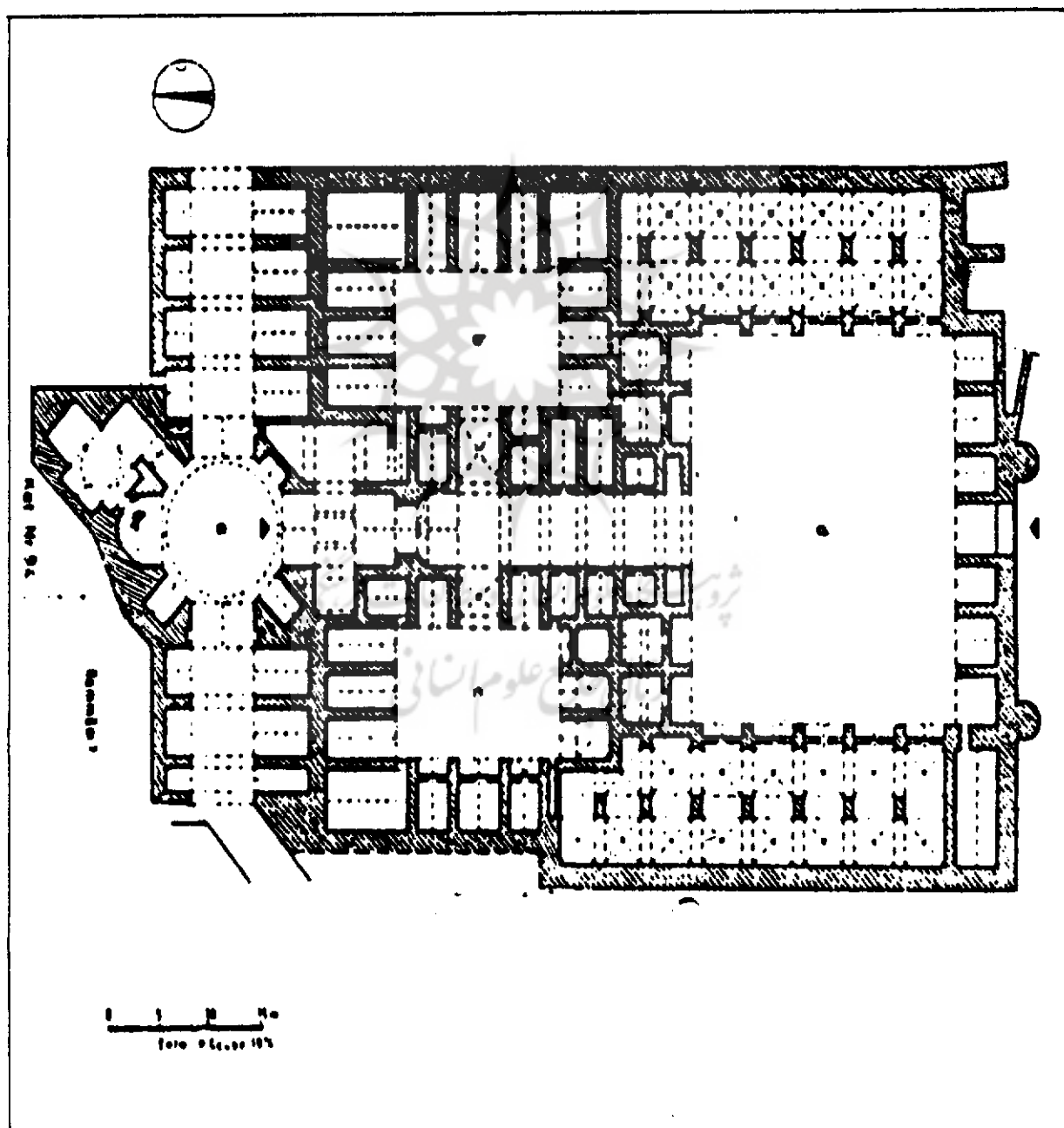
که دو در دارد که یک درش از طرف میدان است و یک درش در طرف چهار سوی بازار ساروتقی که به طرف دفترخانه

و حمام‌ها می‌اندازند در آن کاروانسرا است.

● در معرفت کاروانسراهائی که در میدان شاه است —

کاروانسرای مقصود عصار:

مقصود عصار مردی بود صاحب مال و شاه عباس بزرگ او را پدر گفته بود مقصود عصار قریب بده دوازده دکان و کاروانسرا داشت که حالا همه خراب شده این کاروانسرا را مقصود عصار از مال خود ساخت و پیشکش شاه عباس بزرگ



کاروانسرای هندوها

می‌رود و دری که رو به میدان است جماعت لندره‌فروشان و لندره‌دوزان از ارمنی و مسلمان دکان دارند و در دو طرف چهارسوق تیمچه ساخته‌اند که ارامنه حلب در آن تیمچه می‌باشند جققه - جقه - شیشه و مروارید کار حلب در آن تیمچه می‌باشد .

دو تیمچه در برابر یکدیگر است در آن تیمچه‌ها جماعتی صدیقیان که از هند سوداگرند می‌باشند و این صدیقیان سنی هند هستند و مالداران هند در آنجا فرود می‌آیند . هر متاعی که از راه بندرعباس می‌آید در آنجا فرود می‌آید و آن کاروانسرا در زمان وزارت ساروتقی ساخته شده است و متاع سوداگران هند مثل نبات - نیل - مندیله و چیت قلمکار در آن کاروانسرا خرید و فروش می‌شود .

کاروانسرای حلال :

که در طرف نقش جهان است آنرا شاه عباس کوچک به نام خود ساخت برای آن آنرا کاروانسرای حلال نام کردند که شاه عباس از زر حلال آن کاروانسرا را ساخت و فرمود که خوراک و پوشاک شاه از کسرایه آن کاروانسرا بسود در این کاروانسرا سوداگران رومی می‌باشند و متاع ایشان کاغذ و فروش نقره است .

کاروانسرای دختر شاه عباس :

که زن میرزا عبدالعظیم بود در پشت بازار مسگران است در آن کاروانسرا سوداگران فراداغ می‌باشند و متاع ایشان کنیز و غلام است از گرجی و اروس در آن کاروانسرا خرید و فروش می‌شود و در هیچ کاروانسرائی دیگری کنیز و غلام از سیاه و سفید نفروشد حکم شاه چنین است .

کاروانسرای خراسانیان :

در آخر بازار رنگرزان است و دو کاروانسرا است یکی قدیمی و دیگری در زمان شاه عباس کوچک ساخته است و متاع سوداگران خراسان پوست بخارائی و نمد مشهدی و ترنجبین و آلوی بخارائی و حاجیم و قالی خراسانی و شیرخشت خراسان در آن کاروانسرا خرید و فروخت می‌شود .

کاروانسرای خوانساریان :

که در بازار درودگران واقع است و سوداگران خوانسار در آن کاروانسرا فرود می‌آیند و متاع ایشان خشکه‌بار است مثل زردآلوی خشک مویز خشک که آنرا قیصی گویند دیگر سیب بزرگ سرخ که آنرا سیب خوانسار گویند و گلابی‌های سبز رنگ که آنرا آبدندان خوانساری گویند و میبخت آنست که شیره انگور را می‌گیرند و در دیگ می‌جوشانند تا آنکه خوب غلیظ شود آرد می‌ریزند و آنقدر می‌جوشانند که به طریق پالوده می‌شود و آنرا پاره پاره کرده در آفتاب می‌گذارند خشک شود و بعضی مغز بادام و مغز گردو داخل آن می‌کنند و آنرا میبخت بادامی و گردوئی می‌گویند دیگر گلابی شیرین را دو پاره می‌کنند و در آن مغز گردو می‌ریزند و می‌گذارند خشک شود آنرا سر کلاغ (؟) می‌گویند و سوداگران خوانسار همین متاع دارند .

کاروانسرای :

در اول بازار لوافان واقع است که به کاروانسرای ... مشهور است در زمان شاه عباس بزرگ رومیان در آنجا بار می‌انداختند چون شاه عباس ثانی کاروانسرای حلال را ساخت رومیان و سوداگران روم در کاروانسرای حلال بار می‌اندازند .

کاروانسرای علیقلی خان :

که در بازار علاقه‌بندان است و در آن کاروانسرا هندویان می‌نشینند و پارچه می‌فروشند مسلمان در آن بازار و کاروانسرا نیست و پارچه‌های خوب در آنجا پیدا می‌شود .

کاروانسرای خواجه محرم :

لله شاه صفی که در نزدیک خانه و لندیس است و در آن کاروانسرا یزدیان فرود آمده و متاع ایشان مانند انار - انجیر - گلاب در آن کاروانسرا فروخته می‌شود .

کاروانسرای یاربابا :

که هندویان در آنجا هستند .

کاروانسرای مستوفی سابق :

در نزدیک پای منار کله‌است و در آن کاروانسرا هندوهای مالدارند و بیشتر سوداگرند و متاع می‌خرند و در شهرهای

دیگر می‌فروشند .

کاروانسرای ساروتقی :

که در پای منار کله است و در آنجا چیت‌گران کار می‌کنند .

کاروانسرای درگزنیان :

که در فصل بهار ماست از درگزین می‌آورند .

کاروانسرای لاریان :

که در پشت قیصریه است و در آن کاروانسرا بنداران
عطر دکان دارند .

کاروانسرای یزدیان :

در آن کاروانسرا بیشتر بزازان دولت‌مند حجره دارند و
متاعهای خوب از زربفت و هر جنس پارچه که خواهند در
آن کاروانسرا پیدا می‌شود .

کاروانسرای کاشیان :

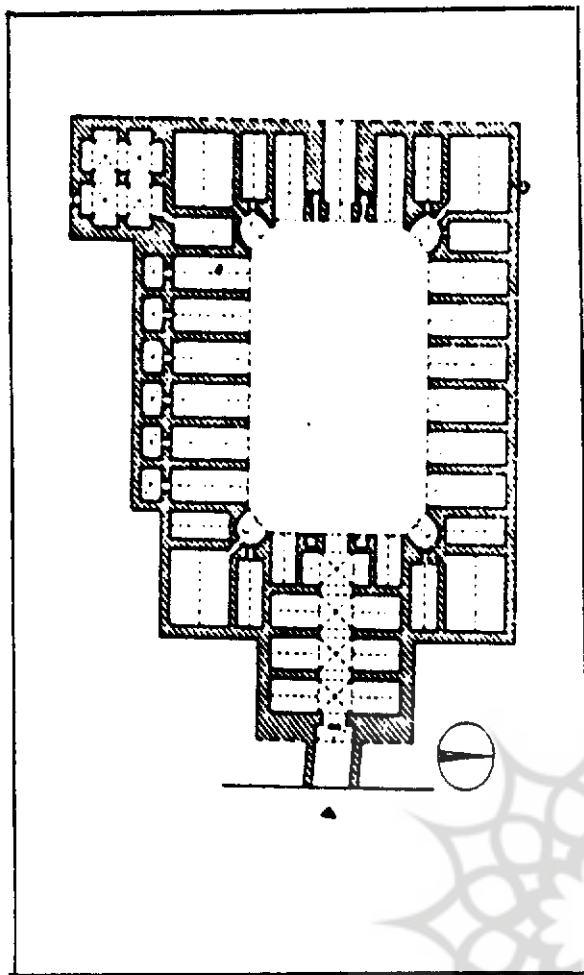
شامل دو کاروانسرا است یکی کاشیان کهنه و دیگری
کاشیان نو که نزدیک خانه انگلیس است این هر دو کاروانسرا
متاع کاشان از زربفت . . . و غیره خرید و فروش می‌شود .

کاروانسرای مسگران :

در نزدیک بازار مسگران در پشت دارالشفاء که بیماران
دیوانه می‌باشند واقع است .

کاروانسرای بازار سراجان :

که مردم یزد متاع خود را می‌اندازند و متاع آنها آستر
یزدی و انجیر یزدی می‌باشد .



کاروانسرای جارچی ماشی

کاروانسرای زمان بیک ناظر :

که . . . واقع است و در آن کاروانسرا از هر جنس که از
. . . می‌آید وجود دارد .

کاروانسرای ابرقوئیان :

که کوزه و پیاله کار ابرقوه خرید و فروش می‌شود .